

راهکارهای تقویت معنویت در جامعه با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب

سیده حکیمه موسوی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن، پژوهشگر و معاون پژوهش مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)، شهرستان امیدیه

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

این مقاله با عنوان «راهکارهای تقویت معنویت در جامعه با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب با نگرش قرآن و احادیث» است. بزرگترین و مهمترین رسالت انبیاء برقراری معنویت در جامعه است. و اهمیت آن در شرایط کنونی جامعه بسیار مهم است؛ زیرا دشمنان اسلام بهترین راه نفوذ در جامعه اسلامی را در جدا کردن افراد جامعه بویژه جوانان از اعتقادات دینی می‌دانند تا بتوانند بر جوامع اسلامی مسلط شوند. اما اگر جامعه اسلامی مملو از معنویت شود، دشمنان اسلام بر آن‌ها مسلط نخواهند شد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق نقلی و حیانی به بررسی راهکارهای تقویت معنویت پرداخته است. در ابتدا به بیان معنویت از منظر مقام معظم رهبری (مدظله) سپس مهمترین عوامل ایجاد معنویت از جمله ایمان و زهد و تقوا و اعتقاد به معاد و سپس به بررسی راهکارهای تقویت معنویت در جامعه پرداخته و مهمترین موارد از جمله: تقویت معنویت فطری و تقویت باورهای دینی و ترویج ارزش‌های اسلامی و سالم سازی محیط و اهمیت دادن دولت به اخلاق و معنویت و تامین نیازهای زیستی و اعتماد به جوانان و سپردن مسئولیت به آنان و احیای امر به معروف و نهی از منکر و شدت عمل در برخورد با انحرافات. اگر موارد یاد شده را برای تقویت راهکارهای برقراری معنویت در جامعه بکار بگیریم، به جامعه‌ای معنوی و عاری از هر گونه فساد و بی‌بندوباری و جامعه‌ای موفق و ایده‌آل خواهیم رسید، که از ناحیه دشمنان به آن جامعه گزندگی نخواهد رسید و استعداد افراد آن جامعه به شکوفایی خواهد رسید.

واژه‌های کلیدی: معنویت، جامعه اسلامی، تقویت معنویت، ایمان، اخلاق.

مقدمه

معنویت مفهومی بسیار گسترده دارد و هر هرکس برحسب اعتقاداتش برای آن تعریفی در نظر دارد. اما باید دانست که معنویت، بسیار گسترده و تمام ابعاد زندگی انسان را شامل می شود؛ همانطور که قرآن آن را با جان و هستی آمیخته می داند، غفلت از آن مساوی با فراموشی یاد خداست.

معنویت بر تربیت افراد جامعه بسار موثر است؛ زیرا جامعه ای که در آن افراد با بینش به اعتقاد خدای یکتا و ایمان به خدایی که در همه حال ناظر بر اعمال افراد است و اعتقاد به معاد داشته باشند، جامعه ای معنویت است که جرائم و فساد در آن به حداقل می رسد. حال این سوال پیش می آید که راهکارهای برقراری معنویت در جامعه چیست؟ در این مقاله با روش نقلی و حیانی و شیوه تحقیق کتابخانه ای و پردازش اطلاعات به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی راهکارهای تقویت معنویت در جامعه می پردازیم.

ضرورت پرداختن به این مسئله از این جهت است که امروزه به دلیل تبلیغات ضد دینی فراوان دشمنان که به هدف نابودی هویت دینی جوانان انجام می شوند و علاوه بر آن اهمیت مقام معظم رهبری (مدظله) به بعد معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب لازم و ضروری است که در رابطه با راهکارهای تقویت و برقراری معنویت از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

برقراری معنویت در جامعه از دیر باز مورد اهمیت جوامع اسلامی بوده است و پیامبران نیز براین اساس به تربیت افراد جامعه می پرداختند. اهمیت آن نیز از این جهت است که معنویت در تمام ابعاد زندگی انسان جریان دارد و می تواند بر محیط زندگی او تاثیر بگذارد. لذا در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته و کتب و مقالاتی نگاشته شده است. از جمله این کتب می توان به کتاب آقای محمد خالدین با عنوان نقش معنویت (مبتنی بر آموزه های اسلامی در زندگی معنوی از نگاه اسلام اشاره کرد که نویسنده آن به تاثیر معنویت از نگاه روانشناسی پرداخته است. کتاب دیگر با عنوان معنویت در نهج البلاغه نگاشته آقای مصطفی ملکیان است و همانطور که از عنوان کتاب مشخص است تنها به بررسی معنویت از نگاه نهج البلاغه پرداخته اند و کتاب دیگر با عنوان چیستی و چگونگی معنویت اسلامی که با تلاش جمعی از نویسندگان زیر ظر حجت الاسلام اصغر الهامی نیا است که در این کتاب به عوامل و کارکردهای معنویت و راههای تحقق معنویت و موانع آن می پردازد. اما در این به مقاله به بررسی راهکارهای تقویت معنویت پرداخته ایم؛ زیرا به اعتقاد بنده در جوامع اسلامی معنویت برقرار است هرچند بسیار کم و باید راهکاری برای تقویت این معنویت که در جوامع اسلامی کاهش یافته، راهکاری را بیان کرد و این می تواند وجه تمایز این مقاله با تحقیقات صورت گرفته در زمینه معنویت باشد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. تعریف معنویت

تعریف رهبر انقلاب آیت الله امام خامنه ای (مدظله العالی) از واژه معنویت این است: «معنویت به معنای ارتقای روح و فراتر از ماده رفتن است، اما در بطن زندگی اتفاق می افتد و یک افزونه استکبار ستیزی هم دارد.» این اصطلاح کاملاً جدید است و هیچ جا معنوی بودن مساوی با استکبار ستیزی یا انقلابی گری گرفته نشده است. همین باعث شده معنای جدیدی خلق شود

که آن را تعبیر به معنویت از دیدگاه رهبر انقلاب می‌کنیم. (<http://www.javanonline.ir/fa/news/979495>) رهبر انقلاب معنای دیگر معنویت را «رابطه و اتصال قلبی با خداوند»

۱-۲. تعریف جامعه معنوی

رهبر انقلاب آیت الله امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در رابطه با تعریف جامعه معنوی می‌فرمایند: «جامعه معنوی یعنی متوجه به اصول و معارف دینی و متکی به اهداف و هدف گیرنده‌ی آخرت از طریق دنیا (این خصوصیت دین و جامعه دینی، اینهاست)؛ غرق نشدن و محدود نشدن در چهارچوب ظواهر مادی.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد ارتحال حضرت امام (ره) ۱۳۸۰/۰۳/۱۲)

۲. چستی بیانیه گام دوم انقلاب

به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه‌ای مهم به تبیین ویژگی‌های مسیر پر افتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات خیره کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تاکید بر امید واقع بینانه به آینده و نقش بی بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در هفت فصل بیان کردند.

ایشان در این بیانیه هفت توصیه را بیان می‌کند و معنویت را به عنوان توصیه دوم بیان می‌کند و چنین می‌فرمایند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فريب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛»

(<https://www.javanonline.ir/fa/news/945525/%DB%B7>)

۳. ارزش های معنوی در جامعه

مهم ترین شاخصه جامعه دینی وابسته به سطح برخورداری از معنویت است. جامعه زمانی سر حال و بانشاط و شاداب است که معنویتش، ارتباطش با خدا و ارتباطش با دین تقویت بشود و اگر این ارتباط نباشد، آدم ها سست، دچار رخوت و دچار دل مردگی و در جاذگی می شوند. بنابراین، نشاط و شادابی و حرکت و پویایی از ویژگی های جامعه مؤمن و انقلابی است و این مهم زمانی تحقق می یابد که نیاز انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی به عنصر معنویت برسد.

معنویت راهبردی برای تحقق گام دوم انقلاب است به گونه ای که معنویت را می توان جهت دهنده و موتور محرک گام دوم انقلاب دانست. بنابراین مهم ترین منبع و درون مایه تفکر انقلابی را می توان معنویت دانست؛ زیرمجاهدتهای جوانان در میدان های سخت، از جمله دفاع مقدس هشت ساله، رویارویی شجاعانه و موفق با آمریکا در خاورمیانه، مدال افتخارآمیز و برند انحصاری رقابت با شیطان بزرگ، همه تجربه های ارزشمند نسل اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی است که در اختیار نسل جوان و صاحبان آینده انقلاب است. (رک <http://www.ibna.ir/fa/tolidi/283117>)

۴. اقسام معنویت

معنویت در نگاه کلی بر دو قسم است:

۱. معنویت دینی به معنای وحیانی؛ یعنی ریشه در تعالیم انبیای الهی داشته و بر باورهایی چون توحید، نبوت و معاد استوار است. البته مقصود ما از معنویت دینی همانا معنویت اسلامی است؛ یعنی معنویتی که ره آورد بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و نبوت و رسالت ایشان است و با مقوله ای امامت و ولایت پیوند ناگسستنی دارد؛

۲. معنویت غیردینی یا سکولار؛ اعم از معنویت یکسره بشری و هم معنویتی که بشری محض نیست؛ اما با حضور و ظهور دین و آموزه های دینی در مدیریت اجتماعی مخالف است. معنویت های نوپدید و جریان های معناگرای نوظهور مصادیق بارز هر دو نوع معنویت غیردینی اند. (<https://www.google.com/searchnvn>)

۵. عوامل ایجاد معنویت

معنویت فردی و اجتماعی انسان ها را می توان توسط عواملی تحقق بخشید در این مقاله به برخی از عوامل مهم در ایجاد معنویت به صورت خلاصه خواهیم پرداخت و این عوامل عبارتند از:

۵-۱. ایمان

هرقدر آدمی در مسیر معنویت پیش رود، ایمان او نیز افزایش خواهد یافت؛ زیرا هرقدر ایمان افزایش یابد موجب حرکت در را رشد و ایمان می شود. این امر نشان دهنده این است که ایمان مراتبی دارد؛ که مراتب آغازین آن ضعیف و مراتب پیشرفته آن نیرومندتر است. یعنی به تناسب ایمان افراد معنویت در آن شکوفا می شود؛ یعنی ارتباط با خداوند متناسب با ایمان اشخاص است.

در این باره خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره تبا، آیه ۱۱). هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد و کسی که به خدا بگردد دلش را به راه آورد و خدا [است که] به هر چیزی داناست»

هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا دلش را هدایت و راهنمایی می‌کند، یعنی اقرار و اعتراف به اینکه الله تعالی خالق و مدبر و یگانه معبود هستی است، موجب می‌شود که نفس انسان بسوی این حقایق متوجه شود و دریابد که همه اسباب عالم در تأثیر خود محتاج به اذن الهی هستند و هیچ حادثه‌ای رخ نمی‌دهد مگر به علم و مشیت پروردگار، پس آنچه او بخواهد برسد، ممکن نیست که دفع شود و آنچه او نخواهد، ممکن نیست که واقع شود و همین اعتقادات قلب و نفس انسان را آرامش و طمأنینه می‌بخشد بطوری که دیگر دچار اضطراب نمی‌شود، چون می‌داند که اسباب ظاهری استقلالی در تأثیر ندارند، و خدا به همه چیز آگاه است، لذا بدون مصلحت هیچ حادثه ناگواری را پدید نمی‌آورد. (طیب اصفهانی، اطیب البیان، کتابخانه دیجیتالی تبیان)

البته باید دانست که ایمان همه معنویت نیست، بلکه مهم‌ترین عامل تحقق معنویت ایمان است. با رشد ایمان معنویت در افراد افزایش می‌یابد و موجب تحول و تغییر در زندگی ظاهری و باطنی‌اش می‌شود.

(shia.org)

۲-۵. زهد

خداوند در قرآن کریم نشانه زهد را «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (سوره حدید، آیه ۲۳) تا بر آنچه از دست‌شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» این آیه معیار و تعیین کننده زهد را برای افراد معین می‌کند. نشانه زهد را این می‌داند که افراد ن هنگام بدست آوردن مال دنیا خوشحال و نه هنگام ازدست دادن متعلقات دنیایی ناراحت نمی‌شود.

زهد راستین زمانی است که انسان نسبت به غیر خدا بی رغبت است و به خداوند راغب است. (رک. جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۱/۱۷۳) پس در جامعه‌ای که افراد آن نسبت به پروردگار خویش راغب هستند و تلاش می‌کنند کارها و رفتارشان با رضایت الهی مطابقت داشته باشد در واقع در این افراد از معنویت برخوردارند و جامعه‌ای که افراد آن معنویت دارند، جامعه‌ای موفق خواهد بود.

۳-۵. تقوا

«بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۷۶) آری هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی‌تردید خداوند پرهیزگاران را دوست دارد» متقین، محبوب خدا هستند. تقوا دارای مراتبی است، محبوبیت الهی هم درجاتی دارد. (رک. جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۱/۲۰۵)

رهبر انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) به کارگیری معنویت در تربیت جامعه و اعتلای امت اسلامی امر مهم می‌دانند. ایشان معتقدند که عنصر «تقوا» را برآورنده همه چیز می‌دانند که ربوط به ساحت معنویت و سطوح مرتبط با آن است. به این خاطر است که بر برقراری تقوا در جامعه جهت ایجاد جامعه معنوی تاکید دارند. (بیانات رهبر ۶۹/۱۱/۱۹)

امیر مومنان علی (علیه السلام) می فرمایند: «وَلَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱) عزت و قدرتی گران بهاتر از پرهیزکاری نیست یرا تقوا چنان انسان را مسلط بر خویش می سازد که وسوسه های شیطان و هوای نفس را به عقب می راند. چه قدرتی از این بالاتر که انسان شیطان را به زمین بزند و هوای نفس را مهار کند.

جامعه ای که افراد آن براساس تقوا رفتار می کنند (یعنی به دلیل ترس از خدا از کارهای زشت مانند رانت خواری، تعارض به حقوق یکدیگر کناره گیری می کنند و تمام کارهای شان به قصد قربت باشد) موجب برقراری معنویت در جامعه می شوند.

۴-۵. اعتقاد به معاد

اعتقاد به معاد از عوامل ایجاد معنویت در جامعه است، با توجه به اینکه ایمان از عوامل مهم ایجاد معنویت است و تا کسی ایمان نداشته باشد اعتقاد به معاد نخواهد داشت. پس معاد کامل کننده ایمان در جهت ایجاد معنویت است. مومن می داند در رابطه با هر عملی که از او سر می زند در قیامت نسبت به همان عمل از او حسابرسی می شود. (رک. جواد آملی، ۱۳۸۷، ۱۱ / ۲۰۵) در این رابطه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۲۰هـ، ۷۰ / ۷۳)؛ قبل از آنکه شما را به پای حسابرسی بکشانند، خودتان را به حساب بکشید. و در حدیث دیگر از امیر مومنان علی (علیه السلام) آمده «قِيدُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْمَحَاسِبَةِ، وَ أَمْلِكُوهَا بِالْمُخَالَفَةِ؛ نفسهای خود را با محاسبه در بند بکشید و با مخالفت (هوا و هوس) خود، مالکش شوید» (محمدی ری شهری، غرر ۱۳۶۳، ۲ / ۴۰۵)

بنابراین چنین افرادی که در هر عملی که انجام می دهند خداوند را ناظر بر اعمال خویش می دانند و جامعه ای که از چنین افرادی تشکیل یافته باشد جامعه ای معنوی که همان جامعه آرمانی و ایده آل خواهد بود.

۶. راهکارهای تقویت معنویت

معنویت فردی و اجتماعی انسان ها را می توان توسط عواملی تحقق و تقویت کرد، زیرا؛ معنویت یک حقیقتی اختیاری است که انسان با عواملی می تواند آن را تقویت کند. هرچند با عواملی می تواند آن را تقویت کند هر چند برخی معتقدند که معنویت، امری فطری است که در سرشت انسان ها نهفته است و زوال ناپذیر است ولی به هر حال، بدون شک، معنویت، شدت و ضعف پذیر است و با عواملی، تقویت و با عواملی، تضعیف می گردد. پاره ای از عوامل ترویج معنویت به شرح ذیل بیان می گردد.

۱-۶. عوامل موثر در تقویت معنویت فطری

انسان موجودی است که با سرشت و فطرت خاصی آفریده شده است. فطرت، منشأ حرکت و تکاپوی دایمی انسان به سوی کمال است. کنش ها و گرایش های غریزی، ریشه در اندام جسمی ندارد. و ویژگی های ثابت و اصیل روحی اند. این گرایش ها آگاهانه نیستند و شکوفایی استعداد های فطری مشروط به برطرف کردن موانع آن ها و قرار گرفتن در جهت اصل کمال است. بنابراین، گرایش های فطری قابل تربیت و پرورش اند. گاهی این گرایش ها بر اثر عدم هدایت و پرورش صحیح، از مسیر اصلی خود خارج می گردند و زمینه و وسیله ای برای وسوسه های شیطانی می شوند. معنویت گرایی انسان نیز یک واقعیت فطری است که خداوند سبحان در وجود انسان، تعبیه کرده است. (خسرو پناه، ۱۳۸۷، ۱۶)

خداوند سبحان درباره فطرت خداگرایی می‌فرماید: «... فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (سوره روم، آیه ۳۰)؛ با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار «پس خدا شناسی امری فطری است و خداوند آن را در نهاد آدمی قرار داده و وسیله ای برای رسیدن به کمال و سعادت می‌داند. (رک. طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶ / ۲۶۷)

«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (سوره اعراف، آیه ۱۷۲)؛ هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم»

احتیاج آدمی به پروردگاری مدبر جزء حقیقت و ذات انسان است و نیازمندی به چنین پروردگاری در ذات هر انسانی است. در واقع انسان در هر مرحله انسانیت قرار داشته باشد از ناحیه ذاتی این احساس را دارد که پروردگاری است و ناظر بر اعمال و کردار اوست. (رک. طباطبایی، ج ۸ / ۴۰۱). حال اگر این حس (که همیشه پروردگاری ناظر بر اعمال و کردار ماست) تقویت شود می‌تواند تاثیر بسزایی در موفقیت جامعه داشته باشد و جامعه آرمانی را بوجود آورد؛ زیر افراد چنین جامعه‌ای که خداوند را ناظر بر رفتار و کردار خود می‌دانند، تلاششان در جهت پیشرفت جامعه خواهند بود و از هرآنچه موجب تضعیف جامعه اسلامی است دوری خواهند کرد.

اما متأسفانه ممکن این گرایش های فطری و احساس زیبایی بر اثر غفلت و عدم توجه انسان نسبت به خالق خویش، مورد سوء استفاده قرار گیرد و تحت تاثیر وسوسه های شیطانی قرار گیرد و اعمال زشت و ناپسند انسان را به زیبایی جلوه دهد و آدمی را دچار عصیان و گناه کند و علاوه بر آن موجب نابودی خود و جامعه خود شود. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ» (سوره حجر، آیه ۳۹)؛ گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت «شاید اگر آدمی معنویت را در خود تقویت می‌کرد گرفتار وسوسه شیطان و گرفتار زرق و برق دنیا نمی‌شد؛ زیرا اگر معنویت در درون آدمی تقویت شود، آنگاه انسان این دنیا را وسیله ای برای سعادت اخروی خویش و جامعه خویش قرار می‌داد.

۲-۶. تقویت باور های دینی

یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های موثر بر تقویت معنویت در جامعه، وجود یک سلسله باورها و ارزش‌های دینی در جامعه است. این باورها به انگیزه افراد ارزش دینی می‌دهد و همچنین موجب قوت و تداوم این انگیزه‌های می‌شود؛ زیرا انگیزه‌های نشأت یافته از ایمان استحکام و دوام بیشتری نسبت به انگیزه‌های نشأت یافته از مادیات دارند. با بررسی تاریخ اسلام موارد فراوانی از این نمونه‌ها وجود دارد، برای نمونه یک مورد را اشاره می‌کنم. (آقا پیروز، ۱۳۸۹ / ۱۵۸)

در اولین جنگی که در صدر اسلام میان مشرکان مکه و مسلمانان روی داد، مسلمانان با تعدادی ۳۱۳ نفر و با کمترین تجهیزات نظامی توانستند بر سپاه عظیم دشمن که تعداد افراد آن حدود ۱۰۰۰ نفر و با تجهیزات فراوان نظامی بودند، پیروز شوند. در

اینجا پیروزی مسلمانان به علت انگیزه الهی و باپشتوانه ایمان به خدا بود که توانستند در جنگ نابرابر، مشرکان مکه را شکست دهند و به گونه‌ای دشمن را مغلوب سازند که آوازه آن‌ها سراسر جزیره العرب را فرا بگیرد. (مکارم، ۷ / ۹۵)

باورهای دینی به صورت‌های مختلفی بر انگیزه افراد تأثیر می‌گذارد. برای مثال، اعتقاد به اینکه ما در مقابل خداوند و تکالیفی که بر عهده ما قرار دارد، مسئول هستیم؛ برانگیزنده افراد با ایمان به انجام وظایف است.

احساس تکلیف در واقع، نوعی تعهد و التزام را نسبت به انجام وظایف به دنبال دارد. این احساس به صورت‌های مختلفی شکل می‌گیرد. برای مثال، دوری از به هدر دادن امکانات و جلوگیری از ظلم و ستم در حد توان و پرهیز از حرام خوری، تکالیفی هستند که در جامعه ممکن است متوجه افراد شود.

اعتقاد به پرهیز از حرام، شخص را به انجام وظایفی که برعهده‌اش گذاشته برمی‌انگیزاند. که پشتوانه این عامل انگیزش جلب رضایت الهی است. بنابراین، تأثیر باورهای دینی، صبغه‌های الهی به انگیزه می‌دهد و به آن قداست می‌بخشد و به صاحب چنین انگیزه‌ای قوت عطا می‌کند و او را در انجام وظایف خویش استوار و ثابت قدم می‌گرداند. (آقا پیروز، ۱۳۸۹ / ۱۵۹) خداوند در این باره می‌فرماید: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، آیه ۲۴۹)

این آیه دلالت بر این دارد بر اینکه هر جامعه‌ای که در آن معنویت برقرار باشد و انگیزه افراد آن نشأت یافته از ایمان و باورهای دینی باشد، جامعه‌ای پیروز خواهد بود؛ زیرا در هر شرایطی خداوند آن‌ها را یاری خواهد کرد که بر دشمنان‌شان پیروز شوند.

۳-۶. ترویج ارزش‌های اسلامی

ارزش‌های اسلامی در واقع حکم شاخ و برگ‌های درخت تنومند اسلام را دارند که ریشه آن‌ها، اصول دین و یا همان باورهای اساسی است که پشتوانه نظام ارزشی اسلام است. به هر مقدار باورها در افراد قوی باشند، ارزش‌ها نیز قوت و ضمانت بالاتری برای عمل خواهند بود. امیر مومنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ كَفَّ» (آمدی، غررالحکم، ح ۷۶۴۵)

برای ترویج ارزش‌های اسلامی در جامعه نیاز به زمینه سازی است و همچنین نیاز است تا ابتدا سطح معرفت دینی افراد بالا رود؛ زیرا هر قدر سطح معرفت دینی افراد جامعه بالا رود جامعه بیشتر به معنویت نزدیک خواهد شد. چرا که سطح معرفت دینی اگر بالا رود پایبندی افراد جامعه به به باورها و ارزش‌های اسلامی نیز بالا خواهد رفت. اگر روحیه دینی در جامعه تقویت یابد موجب رشد و ترقی و تعالی معنویت افراد جامعه می‌شود. (رک. آقا پیروز، ۱۳۸۹ / ۳۴۲-۳۴۴)

۴-۶. سالم سازی محیط

بی شک وضع محیط اجتماع تأثیر فوق العاده‌ای در روحیات و اعمال افراد دارد. انسان در تعامل دائم با محیط اجتماع است و عناصر آن پیوسته در راستای سازندگی یا ویرانگری شخصیت افراد عمل می‌کند. روابطی سالم، عاطفی مبتنی بر کرامت و عزت و بر پایه انصاف و عدالت در شکل گیری شخصیت انسانی افراد نقشی اساسی دارد. (محمد حسین مردانی، عنوان مقاله «سالم سازی محیط جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآن») همان گونه که روابط ناسالم، خشن، مبتنی بر حقارت و ذلت و پایه ستم و بی عدالتی در تخریب شخصیت انسانی افراد دارد قرآن کریم در قالب تمثیلی نغز در اعمال و کردار انسان را چنین به تصور کشیده و می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا» (سوره اعراف، آیه ۵۸)؛ و زمین

پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی فایده برنمی آید» با توجه با این آیه می توان گفت جامعه ای از معنویت برخوردار خواهد شد در آن جامعه محیطی باشد؛ که کارهای آن براساس اخلاص و معنویت صورت بگیرد و پیش برود و افراد جامعه نسبت به یکدیگر مهربان و مسئولیت پذیر باشد. زیرا همانطور که در آیه بیان شد فکر و اندیشه افراد از محیطی متاثر می شوند و بر رفتار آدمی تاثیر می گذارند.

مصادیق تاثیر محیط بر اندیشه و رفتار انسان در قرآن از بارزترین تاثیر پذیری افراد از محیط است. تاثیر پذیری از محیط ناسالم همچون قوم بنی اسرائیل؛ زیرا این قوم سالها تحت تعلیمات معنوی حضرت موسی (علیه السلام) قرار داشتند و حتی با چشم خود معجزاتی را از حضرت موسی (علیه السلام) دیده بودند، اما همین که با گروه بت پرستان برخورد کردند با خضوع و خشوع عجیبی به بت پرستان روی آوردند و دنیا را هدف زندگی قرار دادند و ثروت را سعادت عظیم برای زندگی دنیوی خود قرار دادند. (اشاره به آیه ۷۹ سوره قصص) و این را نمونه های از تاثیر پذیر محیط ناسالم است. (رک. مردانی، عنوان مقاله «سالم سازی محیط جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآن») «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۳۸)؛ و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت های خویش همت می گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می کنید»

برای ایجاد محیطی سالم نیاز به انقلاب فرهنگی است. با تأسی از سیره انبیاء می توان این انقلاب را به وجود آورد؛ زیرا مهم ترین گام اصلاحی انبیاء در جوامع بشری، درهم شکستن چهارچوب های ارزش های دروغینی بود که از سوی سردمداران کفر رواج یافته بود و براساس این ارزش ها، محور شخصیت افراد را ثروت و شهرت و جاه و جلال و وسایل تجمل می پنداشتند و کسانی که فاقد این امکانات بودند، از درجه اعتبار ساقط می دانستند. اما پیامبران با تعلیمات معنوی خود، این معیارهای غلط را در هم شکستند و ارزش های اصیل الهی و انسانی همچون علم و تقوا و پاکدامنی و گذشت را جانشین آن ساختند. در حقیقت، به حق است که نام این حرکت انبیاء را باید «انقلاب فرهنگی و ارزشی» نام نهاد؛ زیرا تا نظام فکری و ارزشی در یک جامعه اصلاح نشود معنویتی در آن ایجاد نخواهد شد و آنگاه است که جامعه روی سعادت را به خود نخواهد دید؛ زیرا ظالمان جامعه را بدست خواهند گرفت. (رک. قاسمی، بی تا، ۵۲) (همانطور که جامعه امروزی ما متأسفانه ممکن است کم کم دچار آن شود و بسیاری از ارزش های غلط که تنها به تفریحات دنیوی مربوط می شود بجای ارزش های صحیح و معنوی بنشینند. در این امر هم حکومت و هم مبلغان دین باید مواظب باشند و تلاش و همت شان را برای برقراری معنویت در جامعه بکار گیرند.) انبیاء به خوبی دریافته بودند تا زمانی که روح و اندیشه مردم تسخیر اندیشه های خرافی و موهوم است حرکت و پویایی را از آنان سلب خواهد کرد؛ لذا نخستین فعالیت تبلیغی انبیاء را می توان «انقلاب در افکار، اندیشه و ارزش ها» به شمار آورد و در این مسیر درست و مستحکم بنا نهند، تا کاخ رفیع انسانیت و اخلاق و معنویت بر این پایه استوار گردد. (مردانی، عنوان مقاله) سالم سازی محیط جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآن) همانطور که امام خمینی (رحمه الله علیه) این کار را با تأسی از انبیاء الهی پیش بردند و توانستند انقلاب اسلامی را به وجود آورند چیزی که تا قبل از آن غیر ممکن بود، بنابراین با تربیت صحیح معنوی و رسوخ در اندیشه ها می توان هر غیر ناممکنی را ممکن کرد. پس برای برقراری معنویت در جامعه نیازمند محیطی سالم و عاری از هرگونه فساد اخلاقی هستیم که در آن بین روابط حد و مرز تعیین شده باشد.

۵-۶. اهمیت دادن دولت به اخلاق و معنویت

دولت اسلامی، باید در پی «فراهم سازی زمینه رواج معنویت و اخلاق در جامعه» باشد.

تلاش و جهاد در راستای رشد هرچه بیشتر شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، بدون «همراهی حکومت»، توفیق چندانی نخواهد یافت. آری، اخلاق و معنویت، با «دستور» و «فرمان» به دست نمی آید و حکومت نمی تواند از آن را با «قدرت قاهره» ایجاد کند، اما اولاً خود باید «منش و رفتار اخلاقی و معنوی» داشته باشد، و ثانیاً باید در پی «فراهم سازی زمینه رواج آن در جامعه» باشد، به این معنی که به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهد و کمک برساند، و با کانون های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول، مقابله کند و اجازه ندهد «جهنمی ها»، مردم را با فریب جهنمی کنند. (آیت الله خامنه ای، بیانیة گام دوم انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷)

قرآن کریم تصریح می کند که چنانچه مومنان، قدرت سیاسی را بدست آوردند، از این قدرت در راستای تحقق دین خدای متعال استفاده خواهند کرد. و به واسطه آن، ارزش های الهی در جامعه مستقر خواهند شد.

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (سوره حج، آیه ۴۱)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست»

امیرمومنان علی (علیه السلام) به عنوان حاکم در دولت اسلامی، وظیفه خود می داند که به هدایت معنوی و اخلاقی مردم بپردازد و آنها را به بهشت رهنمون سازد: «نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶»

۶-۶. هماهنگی نهادهای علمی و تربیتی

نقش و جایگاه نهادهای اساسی جامعه ترویج معنویت تاثیر بسزایی دارد؛ زیرا ساختار جامعه دینی افزون بر ولایتی بودن حکومت در آن، همانند هر جامعه ای متشکل از نهادهایی است که می باید افزون بر وظایف و مسئولیت هایی که برای آنها تعریف شده است، برای تحقق اهداف جامعه دینی و هدف اصلی آن در تعامل و هماهنگی با یکدیگر، همکاری کنند؛ زیرا هریک از نهادها (به ویژه نهادهای اصلی جامعه) برای دست یابی به رشد و کمال مادی و معنوی جامعه خویش مکمل یکدیگرند. هیچ نهادی به تنهایی و فارغ از نهادهای دیگر قادر به رساندن جامعه هدف والای خویش نیست.

هر یک از نهادها وظایفی را برعهده دارند. برای مثال مسئولیت نهاد خانواده تولید و تربیت نسل است، اما با گسترش جامعه و ارتباطات، خانواده بدون همکاری و تعامل نهاد آموزش و پرورش انجام مسئولیت اش امکان پذیر نیست. و هردو نهاد، خانواده و آموزش و پرورش، بدون برطرف کردن نیازهای مادی خویش استمرار و دوام نخواهد داشت؛ لذا در این امر نیازمند حکومت اند تا با تنظیم سیاست ها و خط مشی های صحیح اقتصادی، ملتزم به برآوردن این نیازهاست تا متقابلاً برای پیشبرد اهداف خاص خویش و رشد و توسعه همگانی، از وجود نیروهای خلاق و تربیت شده متعهد و متخصص، حاصل تعامل خانواده و آموزش و پرورش اند، در زمینه های مختلف بهره برد. تاثیر سیاست ها و عملکرد نهادهای اقتصادی در حکومت لزوم همکاری این دو نهاد را بیش از پیش روشن می کند.

بنابراین روشن است که:

اولاً جامعه بدون وجود نهادها شکل نمی گیرد. ثانیاً نهادها به تنهایی قادر به ادامه حیات نیستند و لازم است در تعامل با یکدیگر به حفظ و استمرار یکدیگر کمک کنند. ثالثاً جامعه زمانی سمت و سوی دینی و معنوی می گیرد و در مسیر هدف غایی تربیت حرکت می کند، که نهادهای آن در تعاملی سازنده به وظایف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود به بهترین صورت ممکن عمل کنند.

بنابراین، برای تحقق جامعه دینی و معنوی که توأم با امنیت و آرامش باشد نیازمند به تعامل نهادها با یکدیگر است. رک. عبدالرضا ضرابی، جامعه شناسی تربیت دینی (نقش تربیت نهادهای اجتماعی در تحقق جامعه دینی)، ص)

۶-۷. تامین نیازهای زیستی

در جامعه باید به تمام قشرها توجه شود به ویژه قشر فقیر و محروم جامعه، و نیازهای زیستی آنها تامین شود. اسلام برای رفع مشکل این قشر راهکارهایی دارد که مهم ترین آنها صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ» (توبه، آیه ۶۰) «قُلْ مَا أَغْنَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ» (بقره، آیه ۲۱۵) «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ» (اسراء، آیه ۲۶) «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ» (انفال، آیه ۴۱)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وَاعْلَمْ يَا مُفَضَّلُ أَنَّ رَأْسَ مَعَاشِ الْإِنْسَانِ وَحَيَاتِهِ الْخُبْزُ وَالْمَاءُ؛ أَي مَفْضَلُ! بَدَنُ كَيْفَ نَانَ وَ آبِ اصْلٍ وَ رَأْسِ مَعَاشٍ وَ زَنْدِگِیِ انْسانِ بَه شَمَارِ می رَوْنَد.» (توحید المفضل، ۱ / ۸۷)،

دین در مسیر تحقق عمل خود نیازمند افرادی استوار است تا بتواند به صورت نظامی فکری عملی درآمده، هدفهای خود را در اجتماع تحقق بخشد و این هنگامی به دست می آید که فشارها و مصیبت های ناشی از تهیدستی نتواند آنها را از دین و پرداختن بدان باز دارد. بنابراین؛ تغذیه کافی و متنوع برای بدن در برنامه دینی گنجانده شده و به آن سفارش گردیده است و حکومت دینی موظف به زمینه سازی حداقل لازم آن برای همه اقشار اجتماعی می باشد. براین اساس در سیره پیشوایان دینی آمده است.

توجه و اهتمام به امور معیشتی فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه جایگاه ویژه ای در سیره ائمه معصوم (علیهم السلام) دارد. (<http://www.shabestan.ir/detail/News/823296>)

اهل بیت عصمت و طهارت، اهل پاکی و صفا، انسانیت و کمال، خیر رسانی به مردم و احسان و نیکی به آنها بودند و صفشان همان است که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «عَادَتِكُمُ الْإِحْسَانُ، وَ سَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ، وَ شَانِكُمُ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ»

اسلام به هیچ رو فقر و فلاکت را نمی پسندد، بلکه پیوندهای پیدا و پنهان میان معاشی و معاد، و وابستگی اعمال عبادی همچون نماز، روزه، حج و ... بایدهای معاشی همچون نان و آب و تغذیه را اعلام می کند. بنابراین سستی در مبارزه با فقر مورد پذیرش اسلام نخواهد بود؛ زیر در هرجایی از هر دری که فقر وارد شود ایمان از آن خارج می شود و در این باره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» فقر نزدیک است به کفر و نزدیک است. (کلینی، بی تا، ۳ / ۸۱۷)

فقر و دست‌تنگی برای مسلمان آنقدر زشت و خطرناک است که امیر مومنان علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود به فرزندانش فرمود: «کاد الفقر ان یکون کفر؛ یعنی فقر سریعاً انسان را به کفر می‌کشاند» زیرا فقیر و تنگ‌دست وقتی حال زار خود و خانواده‌اش را می‌بیند به شدت متأثر می‌شود و صبر و بردباری را از کف می‌دهد و چه بسا دست به دزدی و خیانت بزند و به ستمگران بپیوندد به همین جهت پیشوایان به ما اعلام خطر کرده‌اند.

(<https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/106444>)

اهتمام اسلام به امر معاش و خوراک عمومی مردم و تامین نیازمندیهای ایشان در زندگی مادی و تاکید بر پیوند ناگسزنی حیاتی میان تن و نان، موجب تبیین اصل حاکم بر نظام اقتصادی در اسلام می‌شود؛ یعنی پاسخگویی به نیاز مندی‌های طبیعی و تامین کردن چیزهایی که انسان برای ادامه دادن به زندگی خویش در سطحی مناسب به آن‌ها محتاج است.

از این رو باید عوامل آفریننده نیرو در دسترس همگان قرار گیرد و فرصت‌های رشد و ابزار کمال در انحصار عده خاص نچرخد و اسراف و تبذیر و تلف کردن اموال در یک سو فقر و حسرت برخورداری از زمینه‌های نیرو بخش در سوی دیگر، جامعه اسلامی را به طبقاتی شدن نکشاند.

اسلام دین زندگی است و به جوانب مختلف زندگی انسان با نگاهی جامع نگریسته و سفارش‌هایی درخور ارائه کرده است. آموزه‌های دینی نیازمندی‌های ضروری مادی را پیش نیاز رشد معنوی انسان داشته و بر تأمین بایسته، متعادل و در مسیر معنویت زایی آن‌ها تاکید نموده است. (<http://hawzah.net/fa/article/view/9017>)

اهمیت دادن به نیازهای زیستی از آن جهت است که موجب آسودگی خاطر است؛ به صورتی که موجب می‌شود افراد جامعه با آرامش بیشتری به کار و تلاش خود ادامه دهند. در این باره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّتْ» (شیخ صدوق، بی تا، ۳ / ۱۶۶). آدمی زمانی آرام و قرار دارد که قوت خود را ذخیره کرده باشد.

در این باره امیر مومنان علی (علیه السلام) در رابطه با ارضای افراد جامعه از نیازهای معیشتی خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) روزی‌های آن‌ها را فراخ دار؛ زیرا این کار آن‌ها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند. زیرا گشایش در رزق به افراد جامعه، آنان را به کار و تلاش جهت رشد جامعه بر می‌انگیزاند و مانع از ایجاد هرگونه خطا و خیانتی در جامعه می‌شود.

۸-۶. اعتماد به جوانان و سپردن مسئولیت به آن‌ها

هرگاه انسان خود را توانا بباید و ببیند که کاری از دست او برمی‌آید، احساس سر بلندی و عزت می‌کند. برای تکریم شخصیت جوانان جامعه باید احساس عزت در آنان پدید آید، تا احساس سرافکندگی و ذلت نکنند. پس لازم است امکانات پرورش تعداد جوانان فراهم شود تا باور کنند که برای جامعه مفیداند و می‌توانند به رشد جامعه کمک کنند. مسئولیت دادن و تقسیم کارها در بین جوانان موجب تکریم شخصیت آنان می‌شود. اگر مسئولیت‌ها با نظارتی ظریف به جوانان داده شود موجب تحول اخلاقی در آن‌ها می‌شود؛ زیرا جوان وقت خود را به بطالت نخواهد گذراند و به دنبال لالایی و سرگرمی‌های پوچ نخواهد رفت و

تنها به فکر پیشبرد اهداف خویش خواهد بود. این امر می تواند تاثیر بسزایی در ایجاد و تقویت معنویت در جامعه باشد. آیات و سیره رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در مورد سپردن مسئولیت به جوانان و شکوفایی استعداد آنان و تکریم شخصیت شان موارد فراوانی را به ما نشان می دهند. (رک. دیلمی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۸۴)

یکی از نمونه های سپردن مسئولیت به جوانان در قرآن انتخاب طالوت جوان برای عهده گرفتن فرماندهی بنی اسرائیل.

«بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ (سوره بقره، آیه ۲۴۷)؛ طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است»

۹-۶. احیای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از عوامل تاثیر گذاری بری برقراری معنویت در جامعه است و شاید به این خاطر است، خداوند در قرآن نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند می فرماید: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (سوره مائده، آیه ۷۹)؛ آن ها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی کردند، و آنچه می کردند بسی قبیح و ناشایسته بود.

کسی که نسبت به فساد، بی تفاوت باشد، ملعون انبیاست؛ زیرا نهی از منکر، یک وظیفه ی همگانی و عمومی است. اگر در جامعه ای امر به معروف و نهی از منکر صورت نگیرد، زمینه ساز کفر در جامعه ایجاد می شود. (رک. قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۵۲)

با توجه به اینکه انسان اجتماعی آفریده شده است و حتی نسبت به برطرف کردن نیازهای خود به دیگری نیازمند است. در این باره پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «کلکم راعٍ، و کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (البخاری، صحیح بخاری، ۳/ باب النکاح)؛ همه شما نگهبان و مسئول یکدیگر هستید.

آیین انسان ساز اسلام برای پاسداری از سلامت جامعه و جلوگیری از هرگونه فساد و انحراف و برقراری معنویت در جامعه، قانون امر به معروف و نهی از منکر را تشریح کرده و از این طریق نظارت همگی را در جامعه اسلامی خواستار شده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (سوره توبه، آیه ۷۱) «مردان و زنان با ایمان برخی ناظر و سرپرست بر بعض دیگر هستند؛ به این معنا که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر که در احادیث اسلامی، از آن به عنوان عالی ترین و شریف ترین واجب دینی یاد شده است بدین منظور بر فرد فرد مسلمانان واجب گردیده تا در اثر اجرای آن فضای عمومی جامعه، فضایی معنوی و سالم و مطمئن و آرام برای زندگی و رشد انسان است. (تقوی دامغانی، ۱۳۸۵، ۱ / ۱۷۷)

امر به معروف و نهی از منکر برای برقراری معنویت به قدر مهم است که اگر نباشد در جامعه نباشد علاوه براینکه معنویت در جامعه از بین خواهد رفت و اشرار و ستمکاران و فاسدان افسار جامعه را بدست خواهند گرفت و آرامشی که به سبب معنویت در جامعه به وجود آمده را از بین خواهند برد. امیر مومنان علی(علیه السلام) می فرمایند: «لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را رها می کنید که در آن صورت پلیدان بر شما حکومت خواهند کرد و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد»

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه فرائض اسلامی است باید در جامعه ما احیا شود و هر فردی از مردم خود را گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد مسئول احساس کند. ما هنوز تا رسیدن به یک جامعه کاملاً اسلامی که نیک بختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین نکند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد فاصله زیادی داریم. این فاصله باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد.» (برگزیده سخنان مقام معظم رهبری، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۷۷)

بنابراین، اگر هریک از افراد جامعه خود را در مقابل رفتار و کردار دیگری مسئول بدانند آن وقت است که می توان معنویت را در جامعه برقرار ساخت.

۱۰-۶. شدت عمل در برخورد با انحرافات

هر چند در امر تربیت و اصلاح دیگران، ارشاد و تعلیم، اخلاق نیکو و محبت و سعی صدر و نرمش و مدارا همگی اموری لازم و ضروری به نظر می رسند، اما در برخی موارد به دلیل نوع انحراف و عظمت قبح و زشتی آن نرمش و مدارا بی اثر است و باید شدت عمل به خرج داد و با برخوردی انقلابی جلوی فساد را گرفت نمونه ای از شدت برخورد در سیره انبیاء است که قرآن این گونه از آن یاد می کند:

« وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَا حَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي ... (سوره اعراف، آیه ۱۵۰) ؛ و چون موسی به حال خشم و تأسف به سوی قوم خود بازگشت، به آنان گفت: شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید! آیا در امر خدای خود عجله کردید! و الواح را به زمین انداخت و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته به سوی خود می کشید، هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون داشتند...»

این واکنش شدید و اظهار خشم حضرت موسی (علیه السلام)، اثر تربیتی فوق العاده ای در بنی اسرائیل گذاشت و صحنه را به کلی دگرگون ساخت، در حالی که اگر موسی می خواست با کلمات نرم و ملایم آن ها را اندرز دهد، شاید کمتر سخنان او را می پذیرفتند و به اهمیت و عمق خطای خویش پی نمی بردند و ممکن بود آثار بت پرستی در اعماق ذهنشان باقی بماند. سپس به سراغ عامل اصلی توطئه، یعنی (سامری) رفت و او را چنان مجازاتی محکوم کرد که از کشتن بدتر بود و آن را طرد از جامعه و منزوی ساختن او و تبدیل او به یک موجود نجس و آلوده که همگان باید از او فاصله بگیرند.» (مردانی، عنوان مقاله «سالم سازی محیط جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآنی».)

بنابراین، گاهی برای برقراری امنیت و نظم و اجرای معنویت در جامعه نیاز است نسبت به رفتار و کردار افرادی خاطی در جامعه به شدت برخورد کرد.

نتیجه گیری

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در بیانیه گام دوم انقلاب، منظور از جامعه معنوی، جامعه‌ای است که توجه ویژه‌ای به معارف اسلامی دارد و اهداف این جامعه سیدن به آخرت و سعادت‌مندی از طریق دنیا است. باید گفت که برقراری جامعه معنوی و احیای هویت دینی در جامعه امروزی ما امری حیاتی است؛ زیرا استکبار جهانی با سرمایه گذاری عظیم و بکارگیری انواع ابزار پیشرفته به دنبال مسخ ارزش‌هایی که به دنبال آن نابودی هویت دینی را دارد. در حالی که اگر این هویت دینی در جامعه تقویت شود و جامعه‌ای کاملاً معنوی برقرار شود بسیاری از اهداف دشمنان به ثمر نخواهد نشست. در مقابل جامعه‌ای معنوی و سرشار از نشاط و امید خواهیم داشت. برای برقراری جامعه معنوی یک سری راهکارهایی لازم است. این راهکارها عبارتند از:

۱. تقویت معنویت فطری؛ منظور این است که خدا گرایی با وجود اینکه در درون آدمی نهفته است اما نیاز است که خدا باوری در انسان پرورش یابد؛ زیرا تا پرورش نیابد در افراد و جامعه تجلی نخواهد یافت.
۲. تقویت باورهای دینی که نشأت یافته از ایمان است و اگر در باورهای دینی در جامعه تقویت شوند موجب پویایی و موفقیت جامعه می‌شوند.
۳. ترویج ارزش‌های اسلامی در این زمینه نیز باید سطح معرفتی افراد در جامعه ارتقا داده شود تا زمینه‌ای جهت ایجاد جامعه معنوی ایجاد شود.
۴. سازم سازی محیط از موارد ضروری برای تقویت معنویت در جامعه است؛ زیرا افراد در هر سطح از جامعه و در هر سنی و هر مرتبه‌ای که باشند باز از محیط پیرامون خود متأثر می‌شوند. (این مورد خود به تنهایی پژوهشی را جداگانه می‌طلبد و در این مقاله مجالی برای پرداختن و سیع به آن نیست لذا پژوهش‌گران دیگر می‌توانند به این زمینه بپردازند و در این مقاله به این مورد به صورت کلی پرداخته شد.
۵. اهمیت دادن دولت به اخلاق و معنویت، دولت اگر مبانی آن اسلامی باشد باید به دنبال فراهم کردن زمینه‌ای جهت تقویت معنویت در جامعه باشد؛ زیرا در این باره امیر مومنان علی (علیه السلام) فرموده‌اند وظیفه دولت است که آن‌ها افراد جامعه خود را به معنویت هدایت و به بهشت رهنمون سازند.
۶. هماهنگی نهادهای علمی و تربیتی؛ نهادهای مختلف با هماهنگی و همکاری و تعاون می‌توانند جامعه معنوی را سریع‌تر به اهداف خود برسانند.
۷. تامین نیازهای زیستی؛ برای برقراری جامعه معنوی باید نیازهای معیشتی افراد جامعه تامین شود تا افراد نگران آینده خویش نباشند، همانطور که در آیات و روایات بیان شده که برای رشد معنوی جامعه لازم است افراد نسبت به آینده خود اطمینان داشته باشند؛ زیرا اسلام نیازهای مادی را پیش نیاز معنویت می‌داند.
۸. اعتماد به جوانان و سپردن مسئولیت به آن‌ها از دیگر راهکارهای تقویت معنویت در جامعه است. زیرا اگر به جوانان مسئولیت سپرده شود، آنوقت است که جوان وقت خود را به کارهای پوچ و بیهوده صرف نخواهد کرد و برای انجام مسئولیتی که بر عهده گرفته تلاش خواهد کرد در نتیجه جوانی سالم در جامعه خواهیم داشت.

۹. احیای امر به معروف و نهی از منکر، تاثیر بسزائی بر تقویت معنویت در جامعه اسلامی دارد؛ زیرا اگر افراد نسبت به کارهای پسندیده تشویق و نسبت کارهای ناپسند نهی شوند، جامعه معنوی خواهیم داشت که عاری از هرگونه ناهنجاری است.
 ۱۰. شدت عمل در برخورد با انحرافات؛ با اینکه اسلام همیشه تشویق به گذشت و چشم پوشی از خطاها می کند اما گاهی نسبت به برخی موارد انحرافی و اعمال ناشایست به برخورد قاطعانه سفارش می کند؛ زیرا گاهی برخورد قاطعانه افراد را به اهمیت موضوع متوجه می کند.
- با بررسی های انجام شده در این مقاله بنابراین جامعه معنوی جامعه ای است به دور از هرگونه ناهنجاری اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ... است. که برای برقراری چنین جامعه ای نیاز به همدلی و همکاری تمام نهاد های اجتماعی است.

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. آقا پیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه ترجمه علی اکبر غفاری، بی جا، بی تا.
۳. تقوی دامغانی، رضا، تاملات فرهنگی، ج ۱، تهران، نشر نخیل، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱ و ۱۷، قم، نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.
۵. خلیلی، حسام، مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، تهران، نشر عماد فردا، ۱۳۹۱.
۶. دیلمی، احمد و همکاران، اخلاق اسلامی، قم، نشر معارف، چاپ پنجاه و دو، ۱۳۸۶.
۷. ضرابی، عبدالرضا، جامعه شناسی تربیت دینی (نقش تربیتی نهادهای اجتماعی در تحقق جامعه دینی، موسسه آموزشی پژوهشی تابستان، ۱۳۹۸).
۸. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، نشر، چاپ بیست و پنج، ۱۳۸۷.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، تهران، مرکز نشر درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۹۷.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه آیت الهی، ج ۳، قم، قائم آل محمد، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷ و ۷۲، چاپ دوم، بی جا، ۱۴۰۳.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۸، قم، نشر دار الحدیث، ۱۳۸۶.

مقالات:

۱. خسرو پناه، عبدالحسین، «عوامل و موانع ترویج معنویت، حصون، ۱۳۸۷، ش ۱۶. ensani.ir/fa/article/122951/-rjqk.atu.acir/article-4504.html تاریخ ۱۳۹۹/۷/۴.
۲. قاسمی، حمید محمد، روش های تربیتی در داستان های قرآنی. rjqk.atu.acir/article-4504.html تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۵.
۳. مردانی، محمد حسین، سالم سازی محیط جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآن. rjqk.atu.acir/article-4504.html تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۵.

سایت ها

۱. <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/60818/5409> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۱
۲. <http://ensani.ir/fa/tag/142256> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۴
۳. <http://www.ibna.ir/fa/tolidi/28311> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰
۴. <https://www.google.com/searchnvn> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰
۵. <https://farsi.al-shia.org> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۴
۶. <http://www.shabestan.ir/detail/News/823296> تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۶
۷. <https://hadith.inoor.ir/fa/hadith/106444> تاریخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۱